

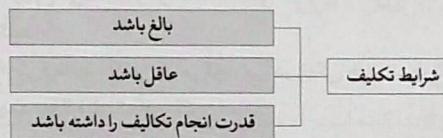
اقسام احکام

[۳] م. مجموعه دستورهای دین، که وظیفه انسان را در زندگی و کارهای روزمره مشخص می‌کند و به آنها «احکام» گفته می‌شود، پنج دسته هستند:



شروط تکلیف

[۴] م. افرادی که داری این شرایط باشند، مکلف به تکالیف شرعی خواهند بود.



[۵] م. نشانه‌های بلوغ در پسران و دختران سه چیز است و البته هر یک از این سه نشانه، به تنها یک علامت بلوغ و رسیدن به حد تکلیف شرعی محسوب می‌شود:



منتخب رساله مصوّر دانشآموزی



طبق آخرین فتاوی هفت تزن از مراجع معظم تقليد
باتوصیحات تصویری، جدول و اینفوگرافیک

منبع مسابقه احکام

مرحله آموزشگاهی و شهرستانی
متوسطه اول و دوم
دختران و پسران

پاک کننده‌ها (مُطَهَّرات)

[۳۰] م. چیزهایی که نجاست را پاک می‌کند مُطَهَّرات گفته می‌شود و عبارتند از:



بهجهت، سبحانی و صافی: کم شدن دو سوم آب انگور یا سرکه شدن انگور را به صورت جداگانه، از مُطَهَّرات نام برده‌اند.

بهجهت، سبحانی و سیستانی: انقلاب را به مُطَهَّرات افزوده‌اند.

سبحانی: به جای استحالة، انقلاب را یکی از مُطَهَّرات دانسته‌اند.

سیستانی: خارج شدن خون متعارف از حیوان ذبح شده را هم جزو پاک‌کننده‌ها شمرده است.

پاک‌کننده‌ها (مُطَهَّرات)

۱ آب

[۳۱] م. آب، بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند و اقسام مختلفی دارد:



سن تقليد

تقليد قبل از «دوران بلوغ»

[۱۱] م. تقليد قبل از سن بلوغ صحيح است، اما واجب نیست.

قانون کلی

ملک قدرت داشتن در تقليد

خدای متعال کسی را که قادر به انجام کاری نباشد مُؤْلف به آن کار نمی‌کند. لذا بعضی از واجبات را به هر میزان که قدرت دارد باید انجام دهد.

مرجع تقليد

[۱۲] م. شرایط مرجع تقليد عبارتند از:



امام و خامنه‌ای: با توجه به اهمیت منصب مرجعیت، بنابر احتیاط واجب مرجع تقليد باید علاوه بر داشتن عدالت، حریص به دنیا نیز نباشد.

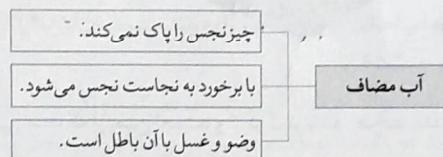
خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب مرجع تقليد باید زنده و اعلم باشد.

دانستنی

امام صادق علیه السلام در حدیث شرایط فقیهی را که باید ازاو تقليد نمود چنین بیان فرموده‌اند: «فَأَمَّا مِنْ كَانَ مِنَ الْفَقَهَاءِ، حَفَاظَ أَلِيَّنَهُ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاءِ مُطَبِّعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِعَوْمَ أَنْ يُقْلَدُوهُ، وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بِعِنْدِ فَقَهَاءِ الشِّعْبَةِ لَا كُلُّهُمْ!» هر کس از فقهاء که حاکم نفس خویش، حافظ دین، مخالف هواهی نفس و مطیع فرمان مولای خود باشد، بر عموم مردم است که ازوی تقليد کنند و این شرایط در بعضی از فقیهان شیعه است، نه همه.

آب مضاف

[۳۲] م. آب مضاف (نالحاص) آبی است که اطلاق کلمه آب برآن، به تنها بی و بدون قید اضافی صحیح نباشد؛ چه از چیزی گرفته شده باشد، مانند آب سیب، هندوانه و گلاب و چه با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که دیگر به آن آب نگویند؛ مانند: شربت.



نکته

گرچه مایعاتی از قبیل شیر، نفت، بنزین و مانند آن، «آب مضاف» نامیده نمی‌شوند؛ اما حکم آن را دارند و نجاست را پاک نمی‌کنند.

آب مطلق

[۳۳] م. آب مطلق (نالحاص) آبی است که اطلاق کلمه آب برآن به تنها بی و بدون هیچ قیدی درست باشد؛ مثل آب دریا، آب لیوان و مانند آن.

آب باران، آب چاه و آب جاری

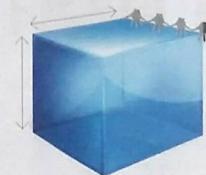
[۳۴] م. آب یا از آسمان می‌بارد یا از زمین (مخزن زیرزمینی) می‌جوشد، یا نه می‌بارد و نه می‌جوشد. به آبی که از آسمان می‌بارد «آب باران» گویند، و آبی که از زمین می‌جوشد، اگر از طریق حفر چاه به دست آید «آب چاه» است و اگر جاری شود، چه در روی زمین باشد و چه در زیرزمین، مثل آب چشم و قنات، «آب جاری» گویند. و آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد، «آب راکد» است.



آب کر

[۳۵] م. «گُر» مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هریک، سه وجب و نیم است ببریزند، آن ظرف را پر کند.

بهجت: معادل $376/240$ کیلوگرم
خامنه‌ای: تقریباً معادل 384 لیتر



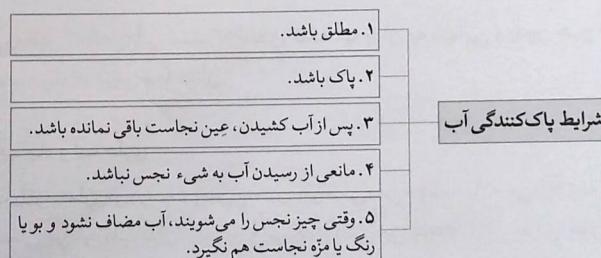
آب قلیل

[۳۶] م. آب قلیل، آبی است که از زمین نجوشد و از گُر کمتر باشد؛ هرچند مقدار آن اندازه یک استکان کوچک یا کمتر باشد.

احکام آب‌ها

پاک کنندگی آب

[۳۷] م. آب^۱، با دارا بودن شرایطی، بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند:



شرایط پاک کنندگی آب

۱. آب گُر

ماندن زنگ

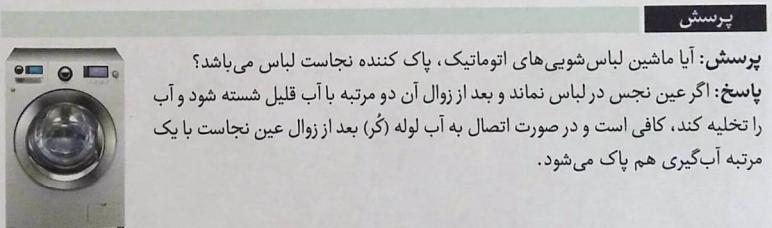
[۴۷] م. هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند پاک نمی شود، ولی اگر بویار زنگ نجاست در آن مانده باشد، اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشنند، اما زنگ خون در آن بماند، پاک می باشد [و باید از وسوسه اجتناب نمود].



باقی ماندن زنگ خون در لباس

تطهیر لباس در خشکشویی

[۴۸] م. لباس هایی که برای شست و شو به خشکشویی داده می شود، اگر از قبل نجس نباشد، محکوم به طهارت است و متصدیان خشکشویی هم لازم نیست هنگام تحويل گرفتن لباس از طهارت و نجاست آن سوال کنند.



پرسش: آیا ماشین لباس شویی های اتوماتیک، پاک کننده نجاست لباس می باشد؟
پاسخ: اگر عین نجس در لباس نماند و بعد از زوال آن دو مرتبه با آب قلیل شسته شود و آب را تخلیه کند، کافی است و در صورت اتصال به آب لوله (گر) بعد از زوال عین نجاست با یک مرتبه آب گیری هم پاک می شود.

تطهیر بدن با آب قلیل

[۴۹] س. اگر دست یا جایی از بدن نجس شود، چگونه می توان با آب قلیل آن را پاک نمود؟
چنانچه بر اثر ادرار نجس شده باشد، پس از برطرف شدن عین نجاست، یک مرتبه (مکارم: دو مرتبه) آب بزیند.^۱ همچنین اگر براثر خون و مانند آن نجس شده باشد، پس از برطرف شدن عین نجاست، یک مرتبه (بهجت: دو مرتبه) آب ریختن کافی است.

۱. سیستان: در لباس و بدن دو مرتبه و در غیرلباس و بدن چنانچه یک مرتبه آب روی آن بزیند و ازان جدا شود، در صورتی که ادرار در آن چیز مانده باشد، پاک است.

۵. تطهیر با آب قلیل

[۴۵] م. پاک کردن چیز نجس با آب قلیل سه مرحله دارد:



ریختن آب روی قسمتی که نجس شده است.



برطرف کردن عین نجاست، به هر طریقی که ممکن باشد.



غساله آب قلیل نجس است و باید دور ریخته شود.



خارج کردن غسله آبی که داخل فرش مانده است.

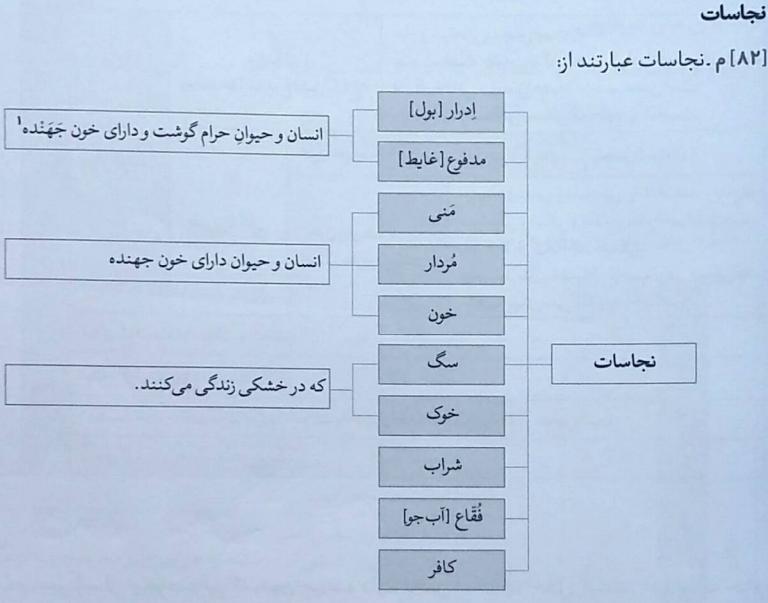
۱. بهجت: اگر یک مرتبه شسته شود، پاک می شود.

۲. سیستانی: در لباس و بدن دو مرتبه و در غیرلباس و بدن چنانچه یک مرتبه آب روی آن بزیند و ازان جدا شود، در صورتی که ادرار در آن مانده باشد، پاک

است. [مکارم: دو مرتبه]

۳. بعد از برطرف شدن عین نجاست.

۴. بعد از برطرف شدن عین نجاست.

**قانون کلی**

همه چیز محکوم به طهارت است، مگر چیزهایی که حکم به نجاستشان شده باشد.

پرسش

پرسش: آیا هرشیء کثیفی نجس است؟

پاسخ: منظور از «نجاست» در احکام شرعی، غیرازکثیفی است؛ چه بسا اشیای نجسی که در ظاهر کثیف نیستند (مانند سگ تمیز)؛ ولی از نظر احکام اسلام نجس هستند. البته خواسته اسلام هم طهارت است و هم نظافت و برطرف کردن کافتها؛ یعنی این که انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط زندگی اش باشد.

۱. به خون حیوانی که وفتی رگ آن را پیزند، خون از آن پیاشد، خون جهنه‌ده می‌گویند.

۹۵] م. خون انسان و هر حیوانی که خون جهنه‌ده^۱ دارد، نجس است. و خون حیواناتی که خون جهنه‌ده ندارند، پاک است.



برخی از حیوان‌هایی که خونشان نجس است.



برخی از جانورانی که خونشان نجس نیست.

خون کم

۹۶] س. گاهی هنگام خون‌گیری از بیمار، مقدار بسیار کم و ناچیزی از خون سرایت می‌کند؛ آیا با پنبه الکلی می‌توان محل را تطهیر کرد؟

خون هرچند به مقدار ناچیز هم باشد، نجس است و باید آن را با آب شست.

۱. یعنی حیوانی که اگر رک آن را بپزند، خون از آن با جهش خارج می‌شود.

خون خشک

[۹۷] م. خونی که بر روی زخم خشک شده، نجس است و اگر مرطوب (رطوبت سراست کننده) شود، نجاست را انتقال می‌دهد.

سبحانی: خونی که بر روی زخم بسته می‌شود اگر به صورت پوست درآمده، آب کشیدن روی آن کافی است.

زردابه اطراف زخم

[۹۸] م. زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است (بهجت: و به آن خون زرد نگویند)، پاک می‌باشد.

خون زیرناخ

[۹۹] م. خونی که به واسطه کوبیده شدن، زیرناخ یا پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند، پاک است.



خون داخل دهان

[۱۰۰] م. اگر از دندان خون بیاید چنانچه به حدی کم باشد که به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین می‌رود، پاک است و فروبردن آن اشکال ندارد.
مکارم: ولی عمدآ فرو ننده.

خلط گلو و سینه

[۱۰۱] م. اخلاقی که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد، آن قسمتی که خون دارد، نجس و بقیه آن پاک است. پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاق به آن رسیده، نجس است و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه، پاک می‌باشد.

استفراغ

[۱۰۲] س. آیا استفراغ نجس است؟ آیا تفاوتی بین استفراغ بزرگ سالان و اطفال هست؟
استفراغ نجس نیست و فرقی بین بچه و بزرگ، دختر یا پسر نمی‌باشد.

وضوی ترتیبی

چگونگی وضو و واجبات آن

[۱۰۴] م. در وضو، شستن صورت و دست‌ها و نیز مسح جلو سر و روی پاها واجب است و کیفیت آن به ترتیب زیر است:



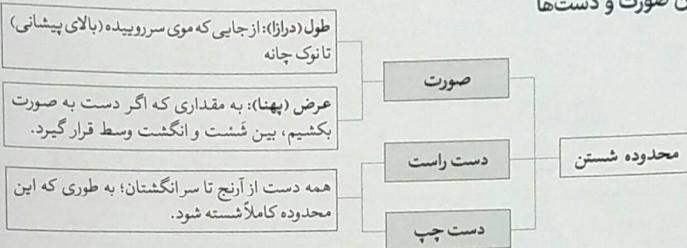
نیت

[۱۰۱] م. او لین جزء واجب در وضو، «نیت» است؛ شخصی که می‌خواهد وضو بگیرد باید به قصد قربت (نژدیک شدن به خداوند و کسب رضایت او) و به این انگیزه که وضو دستور و فرمان خداست، آن را به جا آورد و نباید خدای ناکرده برای ریا (خودنمایی) و جلب توجه دیگران وضو بگیرد.

نکته

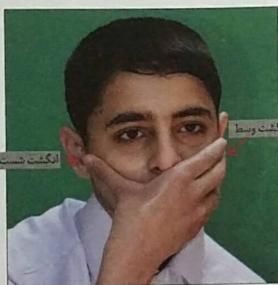
لازم نیست نیت وضو را بزبان جاری کند، یا از قلب بگزارد؛ بلکه تنها باید توجه داشته باشد که وضو می‌گیرد و همین اندازه کافی است که اگر از او بپرسند: چه می‌کنی؟، بگویید: وضو می‌گیرم.

شستن صورت و دستها

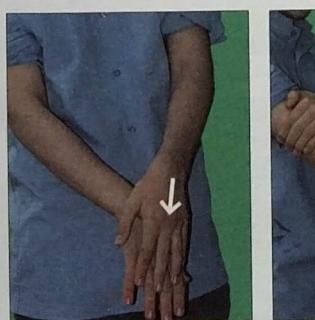


توجه

افرادی که موهای جلو سرشان ریخته است، باید از همین محدوده (یعنی جایی که قبل از ریش، موی آنها از آن جا روییده بود یا محلی که به طور معمول از آن جا موی روید) بشویند و بالاتر از آن لازم نیست.



فاصله بین دو انگشت شسته شود.



برای این که یقین کنید آرچ شسته شده، لازم است مقداری از بالای آرچ نیز شسته شود.

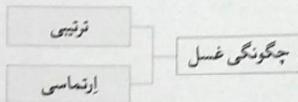
هر دست باید از آرچ تا سرانگشتان و از بالا به پایین شسته شوند.

محدوده و جهت شستن دست



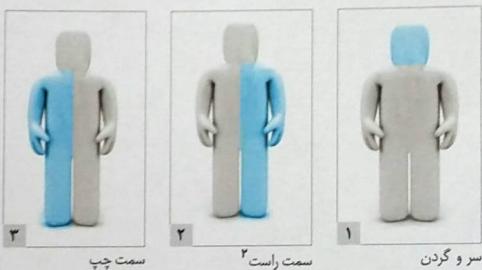
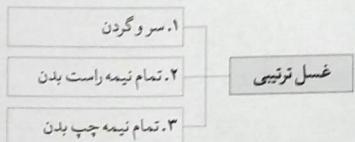
کیفیت غسل

[۲۱۸] م. غسل را می‌توان به یکی از دو شیوه ترتیبی و ارتماسی انجام داد و کسی که در بخشی از بدنش جبیره است (مثلًا قسمتی از بدنش باندیمچی شده)، باید به صورت ترتیبی، غسل جبیره‌ای انجام دهد:



غسل ترتیبی

[۲۱۹] م. در غسل ترتیبی باید به این ترتیب بدن را نسبت:



توجه

- خیس شدن اعضاً دیگر در هنگام غسل اشکالی ندارد. برای مثال اگر هنگام شستن سر و گردن، سمت راست یا چپ بدن، خیس شود، غسل صحیح است.
- حرکت کردن در هنگام غسل اشکالی ندارد.
- رو به قبله بودن در غسل واجب نیست.
- کیفیت غسل کردن مردان و زنان تفاوتی ندارد.

۱. بهجت: در غسل ترتیبی بنابر احتیاط واجب، باید ترتیب در هر عضو هم رعایت شود (به این صورت که شستن از قسمت بالای هر عضو شروع شود و به قسمت‌های پایین آن ختم شود و چنین نیاشد که مثلاً اول، قسمت پایین سمت چپ را بشوید و سپس قسمت بالای سمت چپ را شست و شود (دهد). سیستانی: در غسل ترتیبی پس از شستن سر و گردن، بهتر است که اول سمت راست و پس سمت چپ را بشوید؛ ولی رعایت ترتیب بین این دو قسمت واجب نیست؛ بنابراین انسان می‌تواند کل بدن خود را (غیر از سر و گردن) یک‌جا بشوید.
۲. برای سهولت در یادگیری، جهت عکس‌ها لحاظ نشده.

غسل ارتماسی

[۲۲۰] م. غسل ارتماسی به یکی از روش‌های زیر صحیح است:



تمام بدن را یکباره در آب فرو ببرد؛ به طوری که آب به همه جا برسد.

غسل ارتماسی

به تدریج زیر آب برود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.

نکته

۱. در غسل ارتماسی باید مقدار آب به اندازه‌ای باشد که همه بدن را فراگیرد؛ از این رو زیر دوش حمام نمی‌توان غسل ارتماسی انجام داد.

حتی اگر همه بدن زیر آب برود، ولی دست‌ها بیرون از آب باشد، غسل ارتماسی باطل است.

۲. دوش گرفتن جای غسل ارتماسی را نمی‌گیرد؛ لذا زیر دوش می‌توان غسل ترتیبی انجام داد.



فرو رفتن تدریجی در آب

[۲۲۱] س. برای کسی که بدنش تا گردن زیر آب است، آیا با فرو بردن سر غسل ارتماسی صحیح است؟

اما و بهجت: اگر به نیت غسل به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب برود، صحیح است.

سیستانی، سیستانی، صافی و مکارم: صحیح است.

غسل ارتماسی در زیر آب

[۲۲۱] س. کسی که تمام بدنش زیر آب است آیا می‌تواند نیت غسل ارتماسی کند یا باید از آب بیرون آید و سپس در آب فرو رود؟

اما و بهجت: آری، می‌تواند، ولی باید پس از نیت بدن را زیر آب حرکت دهد.

سیستانی، سیستانی و مکارم: اگر همه بدن زیر آب باشد و نیت غسل ارتماسی کند، غسل او اشکال دارد (سیستانی: و احتیاط در عدم اکتفا به آن است). بنابراین، اگر مقداری از بدن بیرون باشد و به نیت غسل در آب رود، کفایت می‌کند.

صافی: بنابر احتیاط واجب باید هنگامی نیت کند که مقداری از بدن بیرون باشد.

راه تشخیص منی

[۲۶۹] م. رطوبت خارج شده از مرد اگر همراه با شهوت، جستن و سست شدن بدن باشد، حکم منی را دارد، و اگر آبی خارج شود که ندانند منی است یا نه و علایم سه‌گانه یا یکی از آها را نداشته باشد، حکم منی را ندارد.



بهجهت، سبحانی و مکارم: رطوبت خارج شده از مرد اگر همراه با شهوت و جستن باشد، حکم منی را دارد و اگر این دو علائم یا یکی از این‌ها را نداشته باشد، حکم منی را ندارد.

صفی: رطوبت خارج شده از مرد، اگر همراه با شهوت و جستن یا فقط با جستن بیرون بیاید و بعد از بیرون آمدن آن، بدن سست شود، حکم منی را دارد و اگر هیچ یک از این دو نشانه را نداشته باشد، حکم منی را ندارد.

مواردی که لمس میت موجب غسل نمی‌شود

[۲۷۰] م. مواردی که لمس بدن انسان مرد، موجب غسل نمی‌شود:

۱. کسی که در میدان جنگ به شهادت رسیده است.
۲. مرده‌ای که هنوز بدنش سرد نشده است.
۳. مرده‌ای که سه غسلش را انجام داده‌اند.
۴. رساندن مو به بدن میت.
۵. رساندن بدن به موی میت.
۶. رساندن مو به موی میت.

۱. سیستانی؛ بنابر احتیاط غسل دارد.

تأخیر غسل جنابت تا تنگ شدن وقت نماز

[۲۶۵] م. کسی که بعد از اذان صبح با حالت احتلام از خواب بیدار شود، اگر نماز خود را به تأخیر اندازد تا جایی که وقت تنگ شود، گناه کرده است و در این صورت باید تیمّ کند و نماز خود را بخواند و نمازش صحیح است.

سبحانی: واحتیاط مؤکد (مستحب) آن است که نمازش را قضا کند.

خجالت در غسل کردن

[۲۶۶] م. منی به دفعات زیاد از من خارج می‌شود و خجالت می‌کشم به حمام بروم؛ مرا راهنمایی فرمایید.

در انجام تکلیف شرعی، حیا و خجالت معنا ندارد و این موضوع عذر شرعی برای ترک واجب نیست. البته اگر غسل جنابت بر این‌سان واقعاً امکان ندارد، وظیفه شما برای نماز و روزه، تیمّ بدیل (به جای) از غسل است.

نکته

۱. مستحب است انسان پس از بیرون آمدن منی، بول [ادرار] کند و اگر چنین نکند و بعد از غسل، رطوبتی از او بیرون بیاید که ندانند منی است یا رطوبتی دیگر، حکم منی را دارد. (به این کار در اصطلاح، استبرنا به بول گویند).
۲. غسل جنابت را می‌توان قبل از داخل شدن وقت نماز انجام داد.

خروج آب مشکوک پس از غسل جنابت

[۲۶۷] م. آب مشکوکی که پس از غسل جنابت بیرون می‌آید، آیا نجس و موجب غسل است؟ اگر پیش از غسل، بول [ادرار] و استبرنا کرده باشد، پاک است و غسل ندارد؛ و در غیر این صورت، حکم منی را دارد.

رطوبت بر اثر خواندن مطالب یا دیدن تصویر

[۲۶۸] م. آبی که هنگام خواندن مطالب مهیج یا دیدن تصاویر تحریک کننده از انسان خارج می‌شود، چه حکمی دارد؟ اگر یقین کنند که منی است یا نشانه‌های منی را داشته باشد، غسل واجب می‌شود؛ و در صورت شک، پاک است و غسل ندارد.

توجه

خواندن داستان‌ها و مطالبی که باعث تحریک شهوت گردد، حرام است.

وضوی جبیره‌ای [وضوی روی مانع]

[۱۶۷] م. گاهی اتفاق می‌افتد که در دست، صورت، روى پا یا جلوی سر (اعضایوضو) جراحتی ایجاد می‌شود یا در اثر شکستگی، گچ می‌گیرند یا قسمتی از دست برای تزریق سرم، متصل به آنژیوکت است و برایوضو گرفتن هم نمی‌شود آن را از دست جدا کرد یا چیزی به اعضایوضو چسبیده که برداشتن آن سخت است، در چنین موقعی برایوضو، جاهایی را که می‌شود شست باید بشویند و روی قسمت‌های بسته شده رابه جای شستن، دست‌ترکشند. به این نوعوضو، «وضوی جبیره‌ای» می‌گویند.



توجه

بعضی از مردم بر این باورند که میهمان باید آنچه از خوردنی و غیر خوردنی به واسطه او نجس شده به میزبان اطلاع دهد؛ درحالی که در بسیاری از موارد، مانند نجس شدن در و دیوار خانه، رختخواب و وسایل زندگی لازم نیست اطلاع دهد.
خامنه‌ای: هرگاه میهمان یکی از اثاث‌های میزبانش را نجس کند، اطلاع دادن به میزبان در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرف‌های غذا لازم نیست.

اطلاع دادن از نجاست فرش

[۱۶۸] س. اگر فرش کسی نجس باشد و بینند دیگران با پای مرطوب بر آن قدم می‌گذارند، تکلیف چیست؟
امام، خامنه‌ای، صافی و سبحانی: لازم نیست به آنان بگوید.
بهجهت: لازم نیست بگوید؛ مگر این‌که با او طوری معاشرت داشته باشد که اگر نگوید، لازم مشترک بین آن دو نجس می‌شود.

سیستانی: اگر او باعث این امر شده باشد، با دو شرط باید بگوید: یکی این‌که در معرض این باشد که در مخالفت تکلیف شرعی واقع شود؛ مثل این‌که نجاست به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های او سراست کند و دیگر آن که احتمال بددهد آنان به گفته او ترتیب اثر می‌دهند؛ ولی اگر بداند ترتیب اثر نمی‌دهند، گفتن لازم نیست.

مکارم: بنا بر احتیاط واجب باید به او بگوید.



در احکام جبیره، تفاوتی میانوضوی مستحب و واجب نیست و اگر کسی بخواهدوضوی مستحب بگیرد، و شرایط وضوی معمولی را ندارد، بایدوضوی جبیره‌ای بگیرد.

أنواع جبيرة

[۱۶۸] م. جبیره انواع و حالت‌های مختلفی دارد:

اگر جبیره تمام اعضای باید تیم نماید. [بهجهت، سیستانی، صافی و مکارم: بنابر احتیاط واجب بایدوضوی جبیره‌ای بگیرد و تیم هم نماید].	وضو را گرفته باشد
اگر جبیره، بیشتر اعضای باید تیم کند. [سیستانی: بنابر احتیاط واجب، باید تیم نماید ووضوی جبیره‌ای نیز بگیرد].	وضو را گرفته باشد
وضوی جبیره‌ای کافی است. [بهجهت، سبحانی و صافی: بایدوضوی جبیره‌ای بگیرد وبنابر احتیاط واجب تیم هم نماید. مکارم: بنابر احتیاط واجب، هموضوی جبیره‌ای بگیرد و هم تیم کند].	اگر جبیره بعضی از اعضای وضو را گرفته باشد
برداشتن مقدار زاید ممکن نیست سیستانی: باید تیم نماید؛ مگر این‌که جبیره در موضع تیم نماید که در این صورت لازم است بینوضو و تیم جمع نماید (هر دور انجام دهد).	برداشتن مقدار زاید ممکن
برداشتن مقدار زاید ممکن است باید جبیره اضافی را بردازد؛ پس اگر زخم در صورت دست هاست، اطراف آن را بشوید و اگر در سریا روی باهast، اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم پوشانده باشد.	اگر جبیره، بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد
باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره در سریا روی با بوده و به اندازه مسح واجب باشند، همانجا را مسح کند و گزنه باید بین آنها را مسح نماید و در جاهایی که جبیره است، به دستور جبیره عمل کند.	اگر در صورت دست ها چند جبیره است



اگر در اعضاي مسح جايي برای مسح باقی نمانده و همهی قسمت ها باندپيچي شده باشد باید روي باند را با ترى دست مسح نماید و باید بقیهی عضو را بشوید.



اگر قسمتی از اعضاي وضع باند پيچي شده باشد و توانند آن را باز کند، کافی است روي باند را با ترى دست مسح نماید و باید بقیهی عضو را بشوید.

کسی که وظیفه رانمی دارد

[۱۶۹] م. کسی که نمی داند وظیفه اش وضعی جبیره ای است یا تیمم، باید هردو را انجام دهد.

نکته

تا زمانی که می شود وضعی معمولی (ترتیبی و ارتقاسی) گرفت، وضعی جبیره ای صحیح نیست و چنانچه مانع از قبیل چسب یا پانسمان و مانند آن روى اعضا باشد، در صورت امکان و ضرر نداشت، باید برای وضع بطرف شود؛ حتی اگر با فرو بردن عضو در آب می تواند آب را به آن عضو برساند و ضرری ندارد، باید چنین کند؛ ولی چنانچه هیچ چاره ای جزو وضعی جبیره ای نیست، باید جبیره به اندازه لازم روى ختم باشد. نه بیش از آن. و به هر اندازه از جای شستن یا مسح بدون جبیره است و امکان شستن با دست کشیدن دارد، باید به طور عادی وضع دهد و نباید از جبیره استفاده کند.

[۱۷۰] م. نمازهایی را که انسان با وضعی جبیره ای خوانده، صحیح است و بعد از آن که عذرش بطرف شد، برای نمازهای بعد هم لازم نیست وضع بگیرد، ولی کسی که نمی دانسته تکلیف او وضعی جبیره ای است یا تیمم و هردو را انجام داده، باید برای نمازهای بعد وضع بگیرد.

وضو با عضو باند پيچیده

[۱۷۱] س. کسی که تمام دست راستش در گچ است، چگونه باید وضع بگیرد؟

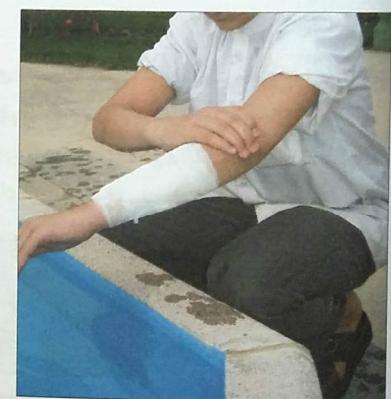
ابتدا صورت را با بردن زیرشیر یا فرو بردن در آب و یا با دست چپ بشوید و سپس دست راست را وضعی جبیره ای بددهد؛ به این صورت که با دست مطروب بر روی باند یا گچ بکشد و بعد دست چپ را با گرفتن زیرشیر یا فرو بردن در آب، وضع بددهد و با رطوبت دست چپ، سرو روی پاها را مسح کند.

بهجت، سبحانی و مکارم: بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.

صافی: باید وضعی جبیره ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب اگر تمام یا بعض موضع تیمم پوشیده نیست تیمم هم بنماید.



با دست مطروب روی قسمت های دارای جبیره کشیده می شود و همین اندازه کافی است.



قسمت هایی که جبیره ندارد، باید به صورت معمولی شسته شود. البته اگر هستن آن باعث مطروب شدن باند و برای زخم یا جراحت مضر باشد، باید با ریختن مقدار کمی آب (اگر ضرر ندارد) آن را وضع داد و اگر به این مقدار هم ضرر دارد، باید آن قسمت را هم به صورت جبیره ای وضع دهنده.



در صورتی که روی بعضی از انگشتان پا بسته باشد، می توان از سر انگشتی که باز است، مسح کرد و تفاوتی هم ندارد که کدام انگشت پیکی از دستانش قطع شده، می تواند دست سالم را بردن زیر شیر آب، وضع دهد.



کسی که یک دستش محروم یا باندپیچی شده است و نیز کسی که در صورتی که روی بعضی از انگشتان پا بسته باشد، می توان از سر انگشتی که باز است، مسح کرد و تفاوتی هم ندارد که کدام انگشت پیکی از دستانش قطع شده، می تواند دست سالم را بردن زیر شیر آب، وضع دهد.



توجه
جبیره در صورت امکان نایاب بیش از مقدار لازم را پوشش دهد. با این حال، وقت زیاد برای تعیین محدوده ای جبیره لازم نیست و نباید در مورد آن وسوس ورزید. همچنین اگر پرشک متخصص و مورد اطمینان تشخیص دهد که برای بهبود بیمار نباید رطوبت به جبیره و اطراف آن برسد، نباید برخلاف نظر او عمل کرد.

غسل ارتقای با لباس

[۲۳۱] س. آیا در استخر عمومی می‌توان با لباس، غسل ارتقای کرد؟

غسل ارتقای معمولاً با لباس مشکل است؛ ولی اگر بدون برخنه کردن بدن، آب به تمام اعضا برسد و شرایط غسل ارتقای رعایت شود، اشکال ندارد.

سبحانی: به نیت غسل وارد آب شوید و برای این‌که بدن در یک زمان در میان آب قرار گیرد باید بند و ساتر را تکان دهید.



شستن اعضاي که قبلًا ظاهر بوده

[۲۳۲] س. بر اثر کهولت سن یا بعضی عوارض جسمی، قسمتی از ظاهر بدن با بخشی از پوست پوشیده شده است؛ آیا باید برای غسل، قسمت پوشیده شده را بشویند یا جزء باطن محسوب می‌شود؟

بهجت: ظاهراً باید به تمام آن قسمت‌ها آب برساند، مادامی که باطن حساب نشود.

خانم‌های: اگر جزو ظاهر بدن محسوب می‌شود باید شسته شود و تشخیص آن موكول به نظر عرفی مکلف است.

سبحانی: اگر شستن پوست‌های پوشیده حرچی نباشد باید بشوید.

مکارم: اگر آب به زیر پوست می‌رسد باید شسته شود.

نکته

- هنگام غسل اگر انگشت‌در دست باشد، درآوردن آن لازم نیست و همین که آب به زیر آن برسد، کافی است. [ولی در تیم باید انگشت را ببرون آورد]

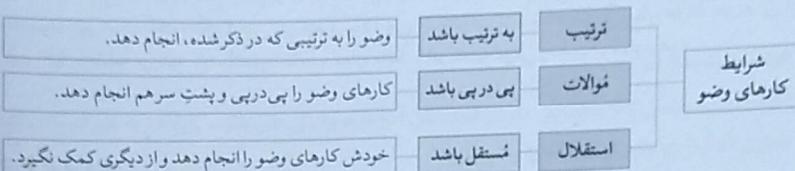
- چیزی که مانع از رسیدن آب به بدن است، باید قبل از غسل برطرف شود.

- در هنگام غسل، شستن داخل بینی و گوش، واجب نیست.

- حرکت کردن در هنگام غسل اشکالی ندارد.

شرایط کارهای وضو

[۱۹۲] م. وضو باید به ترتیبی خاص، به صورت بی در بی و توسط خود شما انجام شود:



ترتیب

[۱۹۳] م. وضو باید به ترتیب زیر انجام شود:



موالت

[۱۹۴] لازم است کارهای وضو به طور متعارف بی در بی انجام شود؛ بدین معنا که اگر میان آنها به قدری فاصله بینند که هنگام شستن یا مسح یک عضو، جاهای بیش از آن خشک شود، وضو باطل است.

نکته

۱. راه رفتن در بین وضو اشکالی ندارد؛ مثلاً فردی که در حال وضو گرفتن است، می‌تواند پس از شستن صورت، چند قدم حرکت کند و سپس دست‌ها را بشوید؛ ولی نباید آنقدر زیاد حرکت کند که جاهای شسته قلی خشک شود.
۲. خوردن و آشامیدن در حال وضو اشکال ندارد؛ ولی بهتر است از کارهایی که حضور قلب را هنگام وضو از بین می‌برد، پرهیز شود.

کمک گرفتن در مقدمات وضو

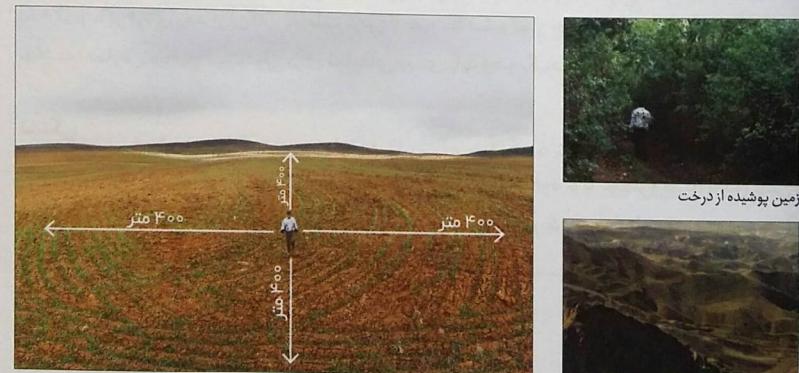
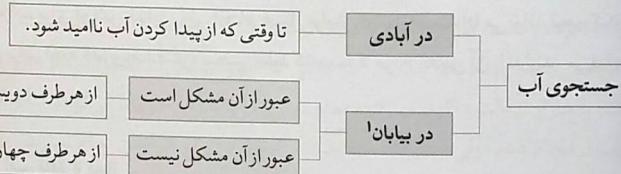
[۱۹۵] س. آیا در مقدمات وضو می‌توان کمک گرفت؟ مثلاً کسی شلنگ رانگه دارد و ما دستمن را زیر آب ببریم یا آب را با ظرفی در کف دست ما بریزد تا وضو بگیریم؟ اشکال ندارد.

در دسترس نبودن آب

[۲۸۵] م. در صورتی که آب وجود دارد، اما به سبب پیری و ناتوانی جسمی یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها یا نداشتن وسیله‌ای که آب را از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند.

توجه

مقدار جستجوی آب: اگر برای وضو یا غسل آب وجود ندارد، باید برای پیدا کردن آن جستجو کرد. مقدار جستجو برای یافتن آب بدین صورت است:



زمین پست و بلند

زمین پوشیده از درخت

نکته

به بهانه دور بودن حمام، یا خجالت از حمام رفتن، نمی‌توان تیمم کرد.

اقسام تیمم



تفاوت «تیمم بدل ازوضو» و «تیمم بدل ازغسل»

[۲۸۴] س. آیا تیمم بدل از غسل، با تیمم بدل ازوضو فرق دارد؟

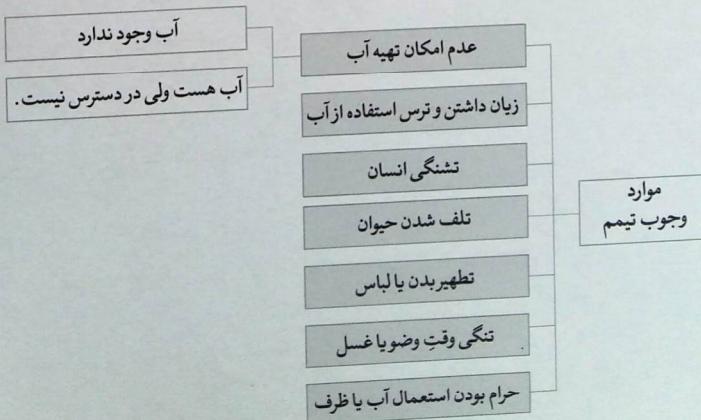
خیر، تیمم بدل از غسل با تیمم بدل ازوضو (در چگونگی تیمم) فرقی با هم ندارد. بهجت، سیستانی، صافی و مکارم: بنابر احتیاط مستحب بهتر است تیمم بدل از غسل (بهجت: بلکه هر تیممی) با دوبار زدن دست بر چیزی که تیمم برآن صحیح است، انجام شود. به این صورت که یک بار دست‌ها بر زمین زده و بر پیشانی کشیده شود، و بار دوم دست‌ها بر زمین زده شود و بر پشت دست‌ها کشیده شود.

سبحانی: در تیمم بدل ازوضو و غسل، دست‌ها را یک مرتبه به زمین بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکند، و یک مرتبه دیگر به زمین بزند و فقط پشت دست‌ها را مسح کند.

توجه

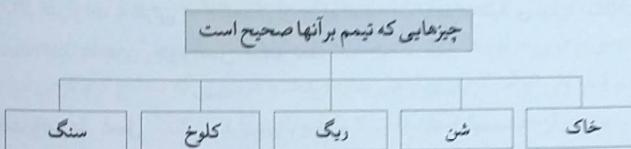
فردی که وضو یا غسل برایش ضرر دارد یا خیلی دشوار است، باید به جای آن تیمم کند و چنانچه وضو بگیرد یا غسل نماید، صحیح نیست.

موارد وجوب تیمم



۱. اگر زمین آن پست و بلند است یا به دلیل وجود درخت و مانند آن، عور از آن مشکل است، باید از هر طرف به اندازه پرتاپ یک تیر و کمان دنبال آب برود. و اگر زمین آن پست و بلند نبوده و عور مشکل نباشد، باید در هر طرف به اندازه پرتاپ دو تیر و کمان دنبال آب برود. و در هر طرف که یقین دارد آب نیست. جستجو در آن سمت لازم نیست.

چیزهایی که تیقم برآنها صحیح است



شن، ریگ و کلوح

[۲۹۶] م. تیقم به شن و ریگ و کلوح - اگر پاک باشند. صحیح است.

سبحانی: تا آن جا که ممکن است باید با خاک پاک تیقم کرد و اگر خاک نباشد، می‌توان بر ریگ و شن و کلوح و سنگ، در صورتی که هنگام تیقم گردی از آنها بر دست ها بنشینند، تیقم کرد.
مکارم: لازم است حداقل غبار کمی روی آنها باشد.



نکته

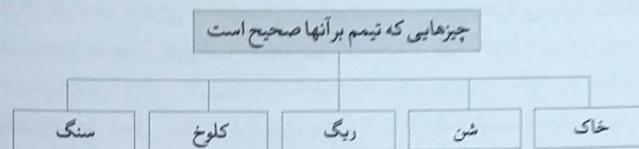
تیقم بر خاک نمناک و خیس صحیح است؛ ولی بهتر است که با وجود زمین یا خاک خشک، به خاک نمناک تیقم نکند.

تیقم بر سنگ

[۲۹۷] م. تیقم بر سنگ معمولی، سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ مرمر سیاه و دیگر سنگ‌ها. اگر پاک باشند. صحیح است (مکارم: به شرط این که مختصر غباری برآنها باشد).

سبحانی: تا آن جا که ممکن است باید با خاک پاک تیقم کرد و اگر خاک نباشد، می‌توان بر ریگ و شن و کلوح و سنگ، در صورتی که هنگام تیقم گردی از آنها بر دست ها بنشینند، تیقم کرد.
سیستانی: بنابر احتیاط مستحب در حال اختیار به سنگ معدن (مانند سنگ عقیق)، تیقم ننماید.

چیزهایی که تیقم برآنها صحیح است



شن، ریگ و کلوح

[۲۹۶] م. تیقم به شن و ریگ و کلوح - اگر پاک باشند. صحیح است.

سبحانی: تا آن جا که ممکن است باید با خاک پاک تیقم کرد و اگر خاک نباشد، می‌توان بر ریگ و شن و کلوح و سنگ، در صورتی که هنگام تیقم گردی از آنها بر دست ها بنشینند، تیقم کرد.
مکارم: لازم است حداقل غبار کمی روی آنها باشد.



نکته

تیقم بر خاک نمناک و خیس صحیح است؛ ولی بهتر است که با وجود زمین یا خاک خشک، به خاک نمناک تیقم نکند.

تیقم بر سنگ

[۲۹۷] م. تیقم بر سنگ معمولی، سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ مرمر سیاه و دیگر سنگ‌ها. اگر پاک باشند. صحیح است (مکارم: به شرط این که مختصر غباری برآنها باشد).

سبحانی: تا آن جا که ممکن است باید با خاک پاک تیقم کرد و اگر خاک نباشد، می‌توان بر ریگ و شن و کلوح و سنگ، در صورتی که هنگام تیقم گردی از آنها بر دست ها بنشینند، تیقم کرد.
سیستانی: بنابر احتیاط مستحب در حال اختیار به سنگ معدن (مانند سنگ عقیق)، تیقم ننماید.

قرار گرفتن کف دو دست روی زمین

[۳۰۵] م. زدن کف دو دست بر زمین باید به گونه‌ای باشد که عرفاً «زدن تمام کف دست بر زمین» صدق کند. بنابراین اگر سطح زمین طوری ناهموار است که از نظر عرف چنین زدنی صدق نمی‌کند، آن ضربه صحیح نیست.

نبود مانع در اعضا

[۳۰۶] م. انسان باید برای تیمم مانع را از اعضای تیمم برطرف کند و اگر موی جلوی سر، روی پیشانی افتاده آن را کنار بزند؛ حتی اگر احتمال قابل توجهی دهد که مانعی هست باید جستجو کند.

[۳۰۷] م. در تیمم نباید بین دست و پیشانی و کف دست و پشت دست هنگام مسح فاصله و مانعی باشد.

توجه

اگر پیشانی و پشت دست‌ها مو داشته باشد، اشکالی ندارد و مانع محسوب نمی‌شود.

بلندی ناخن در تیمم

[۳۰۸] س. اگر ناخن کمی از حد معمول بلندتر باشد. آیا تیمم صحیح است؟
تیمم صحیح است.

تیمم به خاطر آرایش

[۳۰۹] س. خانم‌هایی که برای مجلس عروسی و مانند آن آرایش می‌کنند، آیا جایز است به جای وضع تیمم کنند؟

خیر، باید مانع را برطرف کنند و وضع بگیرند و اگر در وقت نماز برطرف نمی‌شود یا برطرف کردن آن با سختی زیاد همراه است باید وضعی جبریه‌ای بگیرند.



حرکت نکردن محل مسح

[۳۱۰] م. در تیمم باید محلی که برآن دست می‌کشیم بدون حرکت بوده، فقط دستی که با آن مسح داده می‌شود، باید حرکت کند؛ البته حرکت مختصراً و کم اشکال ندارد.



نکته

۱. با بودن خاک به سنگ نیز می‌توان تیمم کرد.

۲. اگر نمای ساختمان و دیوار از چیزهایی باشد که تیمم برآن صحیح است، می‌توان برآن تیمم کرد و در ضربه زدن مهم برخورد هم‌زمان کف دست‌ها با چیزی است که تیمم برآن صحیح است.

۳. در مواقعي که به سنگ تیمم می‌کنیم وجود خاک و غبار روی سنگ لازم نیست ولی مستحب است گردی هم داشته باشد.

۴. تیمم بر اشیای معدنی که جزو زمین محسوب نمی‌شود مانند طلا و نقره و امثال آن و بر سنگ‌های قیمتی مثل عقیق و فیروزه - صحیح نیست، ولی تیمم بر سنگ‌های مرغوبی که غرفاً به آن «سنگ معدنی» گفته می‌شود. مانند مرمر - صحیح است.

تیمم بر گچ و آهک پخته

[۳۹۸] م. احتیاط واجب آن است که با بودن خاک یا چیزی که تیمم برآن صحیح است، به گچ و آهک پخته تیمم نکند.

بهجت: با وجود خاک، تیمم بر سنگ گچ و آهک پخته شده، صحیح نیست و اگر چیز دیگری ندارد، احتیاطاً هم به آنها و هم به گل یا غبار، اگر برایش ممکن است، تیمم نماید.

خانمه‌ای و سیستانی: تیمم بر گچ دیوار صحیح است؛ ولی بنابر احتیاط مستحب، در حال اختیار (با وجود خاک و مانند آن) به گچ و آهک پخته تیمم ننماید.

۱. سیحانی: تا آن‌جا که ممکن است باید به خاک پاک تیمم کرد و اگر خاک نباشد، می‌توان بر ریگ و شن و کلخ و سنگ، در صورتی که هنگام تیمم گردی از آنها بر دست‌ها بشینند، تیمم کرد. سیستانی: با وجود خاک می‌توان بر سنگ تیمم کرد، ولی بنابر احتیاط واجب باید گردی داشته باشد. مکار: با وجود خاک می‌توان بر سنگ تیمم کرد، اما تا آن‌جا که امکان دارد، باید گردی که بر دست ماند.

۲. سیحانی: واجب است چیزی که برآن تیمم می‌کند، گردی داشته باشد که بر دست ماند. سیستانی: تا آنجا که امکان دارد بنابر احتیاط واجب باید گردی هم داشته باشد. مکار: تا آنجا که امکان دارد، باید گردی هم داشته باشد، که بر دست ماند.

نماز اول وقت با تیمّم

[۳۳۳] م. اگر انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اول وقت نماز بخواند ناچار است با تیمّم نماز بخواند.
سه حالت دارد:

۱. اگر بداند عذر او تا آخر وقت برطرف می‌شود؛ نمی‌توانند در اول وقت با تیمّم نماز بخواند، بلکه باید صبر کند و پس از فراهم شدن شرایط، باوضو یا غسل نماز بخوانند.
۲. اگر بداند که عذر او تا آخر وقت باقی است؛ می‌توانند در اول وقت با تیمّم نماز بخوانند.
۳. اگر شک دارد که عذر او ازین می‌رود یا خیر؛ بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا عذرش برطرف شود و چنانچه عذر او برطرف نشد، در آخر وقت با تیمّم نماز بخواند.

بیدار کردن برای نماز

[۳۳۴] س. بیدار نمودن افراد خانواده یا هم اتفاقی برای نماز صبح با چه کیفیتی مجاز است؟
اگر بیدار نکردن آن‌ها موجب سهل انگاری و سبک شمردن نماز باشد، باید آن‌ها را بیدار نمایند، مگر در صورتی که برای فردی که خوابیده ضرر داشته باشد.

نکته

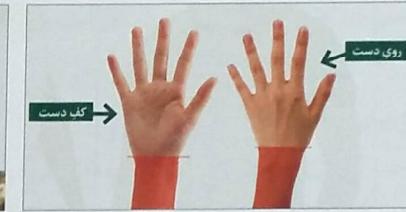
بیدار کردن فرزندان به خاطر این که عادت به نماز کنند، جایز و بلکه لازم است. روشن و سیره افراد مؤمن بیدار کردن فرزندانشان برای نماز بوده است. البته در بیدار کردن افراد خانواده برای نماز صبح کیفیت خاصی وجود ندارد، ولی نباید به گونه‌ای باشد که انجام این فریضه آثاث را از انجام این فریضه آزده کند. بنابراین بهتر است والدین گرامی مقدمات بیدار شدن به موقع و آسان را برای فرزندان خود فراهم سازند. خوردن غذا با فاصله یکی، دو ساعت قبل از خواب و خوابیدن در ابتدای شب می‌تواند در این باره نقشی مهم داشته باشد.



دانستنی

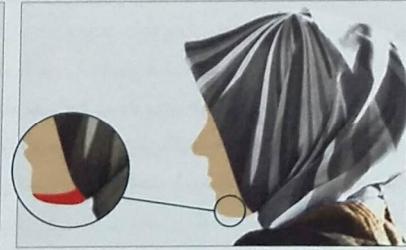
پوشش بانوان

بانوان باید تمام بدن خود را به استثنای «دست‌ها تا مچ» و «گردی صورت» از نامحرم پوشانند؛^۱ به شرطی که دست و صورت آرایش و زینت نداشته باشد و گرنه باید قسمت آرایش شده یا زینت دار را از نامحرم بپوشاند.^۲



محدوده صورت

محدوده قرمزرنگ، باید در مقابل نامحرم، پوشانده شود.



محدوده زیرچانه باید در مقابل نامحرم پوشانده شود.

بیرون گذاشتن موی سر (حتی به مقدار چند تار مو) از چادر یا روسری در مقابل نامحرم حرام است.



مج دست‌ها باید از نامحرم پوشانده شود و در اگر در مکان زن نمازگزار، مردان نامحرم حضور نماز خواندن با چادر مشکی اشکالی ندارد نماز نیز پوشاندن آن واجب است، حتی اگر نامحرم در آن جا حضور نداشته باشد.

نماز خواندن با چادر مشکی اشکالی ندارد نماز نیز از نامحرم لازم و مکروه هم نیست. اگر تووجه نامحرم با منشأ فساد می‌شود، پوشاندن روی با واجب است.

۱. سیستانی؛ آن قسمت از چانه و زیرچانه که در هنگام پوشیدن مخفی به طور معمول پوشانده نمی‌شود، حکم گردی صورت را دارد.

۲. مکارم؛ پوشاندن روی با از نامحرم واجب نیست، چه در مزار غیر مزار هر چند پوشاندن روی با از نامحرم بهتر است. لیته در مواردی که پوشاندن روی با پاخص حلقه تووجه نامحرم با منشأ فساد می‌شود، پوشاندن روی با واجب است.

۱. حاصق؛ بنابر احتیاط واجب باید دست و صورت را نیز از نامحرم بپوشاند؛ حتی اگر زینت نداشته باشد.

۲. چهت اطلاعات پیشتر درباره موضوع پوشش و حجاب، به کتاب «احکام مصقر پوشش بانوان» مراجعه نمایید.

پوشش

پوشش مرد در نماز

مردها در حال نماز باید شرم گاه (عورتین) خود را پوشانند، حتی اگر کسی آنها را نمی‌بیند.



پوشاندن هرجای بدن به قصد به حرام اندخان نامحرم حرام است؛ و در صورتی که نامحرم به بدن مرد نگاه می‌کند، مرد باید احتیاط مستحب بازوهای را پوشاند.

پوشش زن در نماز

[۳۴۵] م. زن در هنگام نماز باید تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، لازم نیست.^۱ همچنین اگر نامحرم او را نبیند، پوشاندن دست و پاها تا مچ لازم نیست، اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تراز مچ را هم پوشاند.^۲



۱. سیستانی؛ آن قسمت از چانه و زیرچانه که در هنگام پوشیدن مخفی به طور معمول پوشانده نمی‌شود، حکم گردی صورت را دارد.

۲. مکارم؛ پوشاندن روی با از نامحرم واجب نیست، چه در مزار غیر مزار هر چند پوشاندن روی با از نامحرم بهتر است. لیته در مواردی که پوشاندن روی با پاخص حلقه تووجه نامحرم با منشأ فساد می‌شود، پوشاندن روی با واجب است.

آگاه کردن نمازگزار از نجاست لباسش

[۳۶۱] م. اگر بدانیم لباس کسی نجس است و ممکن است با آن نماز بخواند، لازم نیست به او بگویید.

نماز با فراموشی نجاست بدن و لباس

[۳۶۲] م. اگر شخصی نجاست لباس یا بدنش را فراموش کرده و با همان حالت نماز خوانده باشد، باید دوباره نماز بخواند و اگر وقت گذشته است، قضا کند.

سیستانی؛ اگر فراموشی او روزی بی اعتمادی باشد، بنابر احتیاط واجب باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته است، قضا کند. در غیر این صورت لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

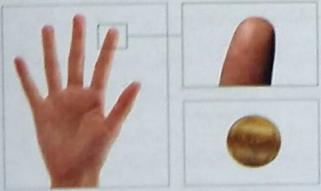
موارد جواز نماز با بدن و لباس و اشیای نجس

	بدن	موارد جواز نماز با بدن، لباس و اشیای نجس	لباس	اشیا
۱. ناجار (مُضططر) باشد یا بدنش نجس نماز بخواند.	بدن			
۲. به واسطه زخم یا جراحت، بدنش خون آلو شده باشد؛ و نتواند آن را تطهیر کند.			۱. ناجار باشد یا لباس نجس نماز بخواند.	
۳. خون موجود در بدنش کمتر از ۷۵٪ باشد.			۲. به واسطه زخم یا جراحت، لباس خون آلو شده باشد؛ و نتواند آن را تطهیر کند.	
			۴. لباس های کوچک نمازگزار نجس باشد؛ مثل جوارب و دستکش؛ به شرطی که از مردار و حیوان حرام گوشت نباشد.	
				۱. اشیا و زیور آلاتی که همراه نمازگزار است؛ مثل: انگشت، تسبیح و

نکته

اندازه درهم

درهم تقریباً به اندازه یک بند انگشت اشاره [سیابه] است.

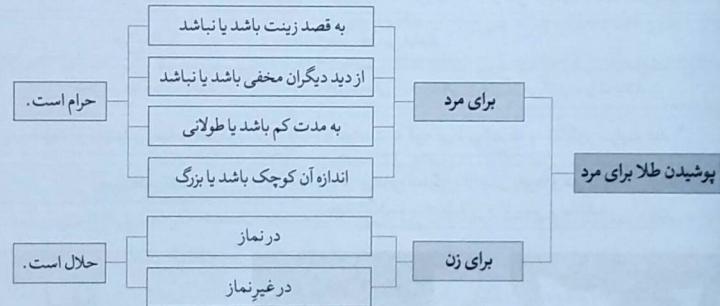


این مفهومهای اندازه ها و معادل های نظریه های شرعي درهم شرعاً است که قطر آن حدود ۲۲ میلی متر می باشد.

۱. اندازه درهم در بین قوهای این چیزین است: امام؛ درهم تقریباً به اندازه یک اشرف است. بهیثت، حامنه ای و مکاره؛ درهم تقریباً به اندازه یک بند انگشت اشاره [سیابه] است. سیحانی؛ درهم به اندازه گودی کف دست است. سیستانی؛ درهم بنابر احتیاط واجب باید به اندازه یک سرد انگشت امام (شست) باشد. [توجه: طبق تحقیق و بررسی، قطریک درهم تقریباً ۲۳ میلی متر بوده است].

پوشیدن طلا

[۳۷۸] م. نماز مرد با زنجیر، دست بند، گردنبند و انگشت طلا، باطل است.
بیject و خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب باطل است.



طلای سفید در نماز

[۳۷۹] س. بندۀ هنگام ازدواج به تصور آن که منظور از طلای سفید همان پلاتین است (که اشکال ندارد) به جای طلای زرد حلقة طلای سفید در دست کردم و حدود یک سال نیز هنگام نماز در دست من بود. پس از تحقیق متوجه شدم که طلای سفید با پلاتین فرق دارد و برای مرد حرام است. حال باید قضای نمازگزار گذشته را بخوانم یا نه؟
اعاده لازم نیست.

مستحبات پوشش نمازگزار

[۳۸۰] م. چند چیز در لباس و پوشش نمازگزار مستحب است:

لباس سفید | پوشیدن عبا | به تن داشتن پاکیزه ترین لباسها | استعمال بوی خوش | استفاده از انگشت عقیق

مکروهات پوشش نمازگزار

[۳۸۱] م. بوشش های زیر در نماز مکروه است:

لباس سیاه (جز عبا و چادر مشکی)،^۱ لباس با دکمه های باز | انگشتی که نقش انسان یا حیوان دارد. | لباس کشیف | لباس شراب خوار | لباس شراب انسان یا حیوان دارد. | لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی کند. | لباس تنگ

۱. [ماز] یا چادر مشکی کراحت ندارد] برای زن واجب است که حجاب کامل شرعی را با هر لباس مناسبی، در برابر مرد ناگرم رعایت کند؛ چه ناگرم مسلمان باشد پا کاف، در کشورهای اسلامی باشد یا غیر اسلامی؛ اما شک چادر به عنوان حجاب برتر از زین و الپی برشودار است.

شیوه نماز خواندن
نماز از عبادت‌هایی است که اجزایی دارد. بعضی از اجزاء واجب و تعدادی هم مستحب هستند. در این بخش با اجرای نماز و روش صحیح نماز خواندن آشنا می‌شویم.

**اذان و اقامه**

[۳۸۹] م. مستحب است پیش از نمازهای واجب شبانه‌روز^۱ اذان و اقامه بگوید:

اقامه	اذان
۲ بار	الله أكابر
۲ بار	أشهدُ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
۲ بار	أشهدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولَ اللَّهِ
۲ بار	حَقَّ عَلَى الصَّلَاةِ
۲ بار	حَقَّ عَلَى الْفُلَاحِ
۲ بار	حَقَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
۲ بار	قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
۲ بار	الله أكابر
۱ بار	لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

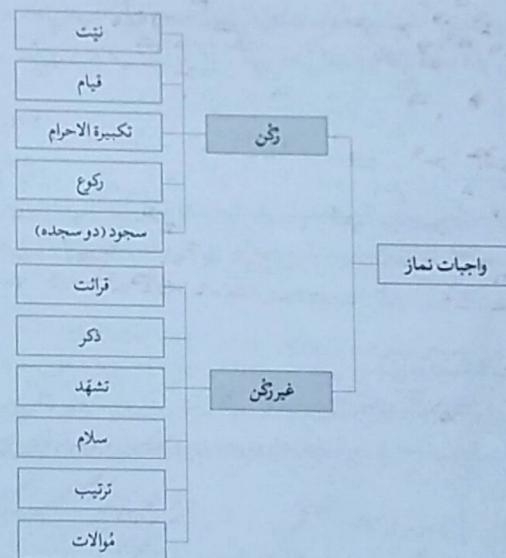
نکته

بعد از «أشهدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولَ اللَّهِ»، گفتن جمله «أشهدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» جزء اذان و اقامه نیست، ولی به قصد قربت و به عنوان شعار «شیعه» خوب و مهم است.

^۱. نمازهای مستحب اذان و اقامه ندارند.

واجبات نماز

[۳۹۳] م. واجبات نماز به دو بخش **وجن** و **غیروجن** تقسیم می‌شود:

**نکته**

بعض از واجبات نماز، رکن‌اند؛ رکن‌ها اجزای اساسی نمازند و اگر آنها را در نماز به جای‌باورد یا تکرار کند (عمدی باشد یا اشتباهی)، نماز باطل می‌شود، ولی واجباتی که رکن نیستند، اگر به اشتباه یا از روی فراموشی کم یا زیاد شوند نماز باطل نمی‌شود.

نکته

[۳۹۴] م. نیت در لغت به معنای «قصد و اراده» است و در احکام، قصد انجام یک عبادت معین برای اطاعت از فرمان خداوند می‌باشد. [اگر به عمد یا به اشتباه و فراموشی ترک شود، نماز باطل است].

نکته

انسان باید نماز را «قریة إِلَى الله» یعنی «برای انجام فرمان خدای متعال» به جا آورد؛ ولی لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهری خوانم قربة الى الله؛ بلکه همین مقدار که بداند چه عملی انجام می‌دهد و برای رضای خداوند نماز را به جا می‌آورد، کافی است. به طوری که اگر سوال کنند چه می‌کنی، جواب بددهد: که برای خدا نماز می‌خوانم.

گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین

گفتن ذکر

آرامش بدن در حال ذکر سجده

سربرداشت و نشستن و آرامش بین دو سجده

مساوی بودن جاهای سجده (مگر به اندازه چهار انگشت است)

پاک بودن جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد.

حاایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند.

گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.

واجبات سجده

وکس غیرزکن قیام [ایستادن]

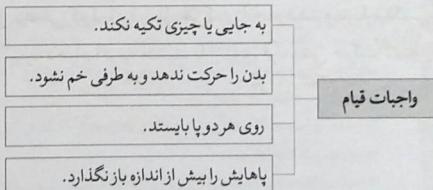
[۴۰۳] م. «قیام» در نماز به همان معنای لغوی خود یعنی ایستادن است.

اقسام قیام



واجبات قیام

[۴۰۴] م. در حالت قیام واجب است موارد زیر رعایت شود:



۱. لازم است پیش از گفتن تکبیرة الاحرام و بعد از آن، مقداری بایستد تا یقین کند تکبیرة الاحرام را در حال قیام گفته است.

۲. قیام در حال قیامت همان قیام پیش از رکوع است و در دو جای خاص باید مورد توجه قرار گیرد:

الف. وقتی که امام جماعت در رکوع است و مأمور می‌خواهد به او اقتضا کند، باید بایستد و در حال قیام تکبیرة الاحرام را بگوید و سپس به رکوع روید.

ب. وقتی نایابی رکوع را فراموش کند و بنشیند و قبل از سجده بایش باید که رکوع نکرده، باید بایستد و از حال قیام به رکوع روید.

گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین

گفتن ذکر

آرامش بدن در حال ذکر سجده

سربرداشت و نشستن و آرامش بین دو سجده

مساوی بودن جاهای سجده (مگر به اندازه چهار انگشت است)

پاک بودن جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد.

حاایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند.

گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.

گذاشتن هفت عضو بر زمین

[۴۳۴] م. در سجده باید هفت قسمت از بدن بر زمین قرار گیرد:

اعضای هفتگانه



[۴۳۵] م. وقتی نمازگزار ذکر سجده را می‌گوید باید اعضای هفتگانه اش روی زمین باشد؛ ولی هنگامی که مشغول ذکر نیست، می‌تواند بعضی از این اعضاء را جز پیشانی از زمین بردارد یا جایه جا کند، به شرطی که با آرام بودن بدنش منافات نداشته باشد.

سیستانی: اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را به عمد از زمین بردارد، و با استقرار لازم در سجده منافات داشته باشد، نماز باطل می‌شود و موقعی که مشغول ذکر نیست هم بنا بر احتیاط واجب، چنین است.



اگر همراه انجشتن شست پا، انجشتن دیگر هم بزمین باشد، مانع ندارد.



گذاشتن دست تا آرنج روی زمین اشکال ندارد. هر چند برای مرد مستحب است آرنج ها را زمین جدانگه دارد.

توجه

۱. یک سجده رُکن نیست؛ بلکه دو سجده با هم یک رُکن است.
۲. ملاک رُکن بودن سجده، قرار گرفتن پیشانی بر مهر است؛ پس کم و زیاد شدن سجده به قرار گرفتن پیشانی روی محل سجده بستگی دارد و اگر پیشانی بر مهر قرار گرفت، ولی سایر اعضنا بر روی زمین نبود، سجده‌ی زیادی صورت گرفته است. همچنین اگر سایر اعضنا روی زمین باشد، ولی پیشانی بر زمین نباشد، زیادی سجده واقع نشده است.

آرامش بدن

[۴۳۶] م. در سجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و نمازگزار باید بدن خود را به اختیار طوری حرکت دهد که از حال آرام بودن خارج شود؛ موقع گفتن ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد «ذکر دستور داده شده برای سجده» بگوید، آرام بودن بدن لازم است.

ذکرسجده

[۴۳۷] م. ذکر سجده عبارت است از یک بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّ الْأَكْلِ وَبِحَمْدِهِ» یا سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ». گفتن هر ذکری در سجده کافی است؛ اما از نظر مقدار باید به همین مقدار پیشتر باشد. بهجت: در سجده هر ذکری بگویند کافی است، حتی یک «سُبْحَانَ اللَّهِ»؛ ولی احتیاط مستحب است که سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّ الْأَكْلِ وَبِحَمْدِهِ» بگویند. مکارم: ذکر سجده بنابر احتیاط واجب آن است که حداقل سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّ الْأَكْلِ وَبِحَمْدِهِ» را بگوید و هر چه بیش تر بگوید، بهتر است.

سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ یا سُبْحَانَ رَبِّ الْأَكْلِ وَبِحَمْدِهِ

آرام نشستن بین دو سجده

[۴۳۸] م. پس از تمام شدن ذکر سجده، اول باید بنشیند تا بدن آرام بگیرد، بعد دوباره به سجده رود و تفاوتی میان نماز واجب و مستحب نیست.



سجده بر کاه اشکال ندارد.



سجده بر کاغذی که از چوب و گیاه (غیر از پنه و کتان) تهیه شده، صحیح است.



برای سجده بهتر از هر چیز ترتیب مبارک امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است و بعد از آن خاک، سنگ و گیاه.



سجده بر سنگ معمولی اشکال ندارد.



سجده بر سنگ معمولی اشکال ندارد.



سجده بر سنگ گرانیت (معدنی) اشکال ندارد.



سجده بر زمین چمن اشکال ندارد.



سجده بر علف اشکال ندارد.



سجده بر چوب اشکال ندارد.



سجده بر سکه‌ی طلا (به طور کلی طلا و نقره) جائز نیست.



سجده بر کاهو و گیاهانی که خوار انسان است، جائز نیست.



سجده بر سنگ عقیق جائز نیست.
[جز خامنه‌ای، سیستانی و مکارم]

گم شدن مُهر هنگام نماز

[۴۴۶] م. اگر در حال نماز، مُهر یا چیزی که سجده برآن صحیح است گم شود یا بجهای مُهر را بردارد و از دسترس خارج شود:

اگر چیزی که سجده برآن صحیح است (مانند خاک و سنگ و چوب) در دسترس باشد	باید بر همان سجده کند.
نمایز را بشکند و دوباره با چیزی که می‌توان برآن سجده کرد، نماز بخواند.	
مکارم: باید به ترتیب مسأله قبل (با عنوان: سجده بر پشت دست) گذشت عمل نماید و بنابراین احتیاط واجب دوباره بخواند.	اگر وقت وسعت دارد
باید به ترتیب مسأله قبل (با عنوان: سجده بر پشت دست) گذشت عمل نماید.	اگر وقت تنگ است و نماز قضا می‌شود
سیستانی: اگر درین نماز چیزی که برآن سجده می‌کند، گم شود و چیزی که سجده برآن صحیح است نداشته باشد، می‌تواند به ترتیب مسأله قبل عمل نماید؛ خواه وقت تنگ باشد یا وسعت داشته باشد (نماز را بشکند و آن را دوباره بخواند).	نمایز را بشکند و دوباره بخواند.
مکارم: نماز را به ترتیب مذکور در مسأله قبل (با عنوان: سجده بر پشت دست) تمام می‌کند و قضا هم ندارد.	



سجده بر انگشتان دست

[۴۴۹] س. مشغول نماز خواندن بودم که کودک خردسالی مُهر مرا برداشت؛ وقتی به سجده رفتم، پیشانی ام را روی دو انگشت دست قرار دادم؛ آیا نماز درست است؟
اگر وقت برای دوباره خواندن نماز داشته‌اید، باید نماز را شکسته و دوباره با چیزی که می‌توان برآن سجده کرد، نماز می‌خواندید و اگر این کار را نکرده‌اید باید نماز را قضا کنید.

۱. مکارم: باید نماز را تمام کرده و بنابراین احتیاط واجب دوباره می‌خواندید و

کم تربین مقدار سجده‌گاه

[۴۵۰] م. واجب نیست همه پیشانی به محل سجده برسد و همین که گفته شود: پیشانی را به سجده گذاشت، کفایت می‌کند. از این رو اگر به مقدار سرانگشت سبابه با زمین (یا هر چیزی که سجده برآن صحیح است) تماس حاصل شود، کافی است.

سیستانی و مکارم: واجب نیست همه پیشانی روی چیز قابل سجده قرار بگیرد؛ بلکه همین مقدار که بگویند: سجده کرده، کفایت می‌کند. و لازم نیست این مقدار از پیشانی از یک قسمت باشد؛ بلکه اگر مثل سجده برتسیبیح چند نقطه پراکنده از هم باشد، همین که بگویند: بر چیزی صحیح سجده کرد، کفایت می‌کند.



به مقدار سرانگشت سبابه [اشاره]

سجده روی برجستگی مهر

[۴۵۱] م. اگر مقدار لازم برای سجده رعایت شود، سجده بر طرف برجسته مهر (دارای نوشته) اشکالی ندارد، هر چند بهتر است بر طرف دیگر مهر سجده شود.



نکته

اگر مُهر در سجده اول به پیشانی نمازگزار بچسبد و بخواهد به سجده دوم برود، باید آن را از روی پیشانی برداشته و بر زمین گذارد و سپس روی آن سجده کند.



خون آمدن از پیشانی در سجده

[۴۵۵] س. وسط پیشانی ام جوش زده و اگر در سجده آن را روی مهر بگذارم، خونی می‌شود، چگونه سجده کنم؟

تمام پیشانی جای سجده است؛ اگر تمام قسمت‌های پیشانی آلوده به خون نباشد باید با قسمت سالم آن سجده کنید تا پیشانی و مهر خونی نشود.

[۴۵۶] س. اگر در بین نماز هنگام تماس پیشانی با مهر از پیشانی قدری خون بیاید و مهر را خونی نمایند نماز صحیح است یا خیر؟

اگر تمام قسمتی که پیشانی روی آن قرار گرفته، آلوده به خون نشده و مقدار خون پیشانی هم کم‌تر از درهم (کم‌تر از بند انگشت سبایه) باشد و در ضمن، قسمت پاک پیشانی بر روی قسمت پاک مهر قرار گیرد (طوری که قسمت پاک مهر به اندازه لازم برای سجده باشد) نماز صحیح است.

سجده فردی که درد زانو دارد

[۴۵۷] س. به علت درد زانو، اگر بخواهی هفت عضو واجب در سجده را بزمین بگذارم، پس از سجده قادر به نشستن نیستم؛ آیا می‌توانم چهار زانو و بدون این که سرانگشتان پا را بزمین بگذارم، سجده کنم؟ می‌توانید عضوی را که در مورد آن عذر دارید، بزمین نگذارید.

سجده سهو

[۴۵۸] م. سجده سهو سجده‌ای است که بر اثر سهو (اشتباه یا فراموشی) در نماز، بر نمازگزار واجب می‌شود؛ برای مثال: وقتی یکی از اجزاء واجبات نماز (به جزرکن‌ها) به طور اشتباهی کم‌یا زیاد شود، طبق نظر بیشتر فقهاء باید بعد از تمام شدن نماز بلا فاصله دو سجده سهو به جا آورد.

کیفیت سجده سهو

[۴۵۹] م. بعد از سلام نماز باید بلا فاصله نیت سجده سهو نموده و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بگویید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» و بعد بنشینند و دوباره به سجده برود و همین ذکر را بگوید و بنشینند و بعد از خواندن تشهید، سلام دهد. مکارم؛ و احتیاط واجب آن است که در تشهید سجده سهو به مقدار واجب اکتفا کند و فقط سلام آخر را بگوید.

توجه

در سجده سهو توکیب واجب نیست؛ ولی باید نیت سجده سهو داشته باشد.

نکته

موارد سجده سهو

۱. در بین نماز به اشتباه حرف بزند.
۲. یک سجده را فراموش کند.
۳. در نماز چهار رکعت شک کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت.
۴. سلام بی‌جا؛ برای مثال: در رکعت سوم نماز چهار رکعتی به اشتباه سلام بدهد.
۵. تشهید را فراموش کند.

بهجهت: اگر به اشتباه چیزی از غیر رکن را کم یا زیاد کند، بنابر احتیاط باید دو سجده سهو به جا آورد.

سیستانی: بنابر احتیاط لازم، در جایی که به طور اجمالی بداند که در نماز چیزی را به اشتباه کم یا زیاد کرده و نماز هم محکوم به صحبت باشد.

سجده قرآن

[۴۶۰] م. در چهار سوره از قرآن کریم، آیه‌ای وجود دارد که اگر کسی آن را گوش دهد یا خودش بخواند، بعد از تمام شدن آیه باید فوراً بدون فاصله سجده کند و کوتاهی در سجده کردن حرام است؛ و اگر آن را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده را به جا آورد.

نکته

آیات سجده دار در قرآن کریم عبارتند از:
آیه ۱۵ سوره سجده - آیه ۳۷ سوره فُحْلَت - آیه ۶۲ سوره نَجْم - آیه ۱۹ سوره عَلَقَ.

خواندن قسمتی از آیه سجده دار

[۴۶۱] م. با خواندن یا شنیدن تمام آیه، سجده واجب می‌شود؛ بنابراین اگر قسمتی از آیه - حتی کلمه سجده را بخواند یا بشنود، سجده براو واجب نیست.

واجبات سجده قرآن

[۴۶۲] م. هرگاه در سجده واجب قرآن پیشانی را به قصد سجده بزمین بگذارد، کافی است. اگرچه ذکری نگوید و گفتن ذکر مستحب است؛ همچنین روبه قبله بودن و وضو داشتن نیز لازم نیست.

به گوش خوردن آیه سجده

[۴۶۳] س. اگر به آیه سجده گوش ندهد، بلکه به گوشش بخورد، حکمیش چیست؟ سجده واجب نیست.

صافی و مکارم: بنابر احتیاط واجب باید سجده کند.

توجه

نگاه به انگشت در قنوت

نگاه به انگشت مستحب نیست؛ بلکه واجهت (نیکو بودن) چنین عملی از نظر شرعی ثابت نیست.

نکته

دعای فارسی در قنوت

خواندن دعا در قنوت به زبان غیرعربی، مانع ندارد.^۱



سکون و آرامش

[۴۸۲] م. نمازگزار موقعي که برای تکبیرالاحرام یا قرائت ایستاده است، با توجه و به طور عمدى نباید به طرف خم شود و نباید بدن خود را حرکت دهد^۲ و همچنین نباید به جایی تکیه کند؛ اما اگر از روی ناچاری این کار را انجام دهد یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد، اشکال ندارد.

نماز در ماشین، هواپیما، قطار و کشتی

در حال توقف	اشکال ندارد.
در ترکی وقت یا ضرورت دیگر؛ جایز است؛ اما باید استقرار و قبله را در حد ممکن رعایت کند	و در حال چرخش به طرف قبله چیزی نخواهد.
در وسعت وقت (یعنی فرست پیدامی کند که قبل از گذشتن وقت نماز، آن را خارج از هواپیما، قطار و مانند آن بخواند)؛ لازم است نماز را تأخیر بیندازد و در حال حرکت جایز نیست. ^۳	



- سبحان؛ بنابر احتیاط واجب به زبان عربی دعا کنید و از ادبیه قرآنی استفاده نمایید. سیستانی و صافی؛ مانع ندارد، ولی باید ذکر عربی را نیز برای اغیام وظیفه قنوت ادا نمایید. مکارم؛ دعا به غیر عربی در غماز اشکال دارد.
- سیستانی؛ بنابر احتیاط لازم.
- اگر حرکت بدن کم باشد، اشکال ندارد.
- سیستانی و مکارم؛ به طور کل اگر وسائل تقلیله به حدی تکان نداشته باشد که مانع از آرامش بدن و انجام کارهای غاز به طور صحیح شوند، اشکال ندارد؛ چه در وسعت وقت یا تنگی آن در غیر این صورت، اگر به واسطه تنگی وقت با علتی دیگر ناچار باشد غماز را در چنین جایی با تکان های شدید بخواند، بد قدر ممکن باید استقرار و قبله را رعایت کند.

کسی که نمی تواند وضو بگیرد و غسل و تیقم کند

[۴۸۳] م. اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیقم هم برایش ممکن نباشد:

خامنه‌ای، مکارم و سیستانی؛ و سپس بنابر احتیاط واجب بعد اقضای آن را به جا آورد.	اگر وضو، غسل و تیقم ممکن نباشد
بنابر احتیاط واجب باید نماز را در وقت بدون وضو و تیقم بخواند.	
صافی؛ واجب است بعد اقضای آن را به جا آورد.	
اما؛ وبنابر احتیاط واجب بعد اقضای آن را به جا آورد.	

به جلت و سیستانی؛ وقت بدون تیقم ووضو بخواند.

مبطلات نماز (باطل کننده های نماز)

[۴۸۴] م. کارهایی که موجب باطل شدن نماز می شوند، عبارتند از:

مبطلات نماز

- از بین رفتن یکی از شرط هایی که باید در حال نماز رعایت شود.
- پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند.
- برگرداندن کامل بدن از قبله (پشت به قبله نماز خواندن)
- خنده غمیدی با صدا
- گریسن برای دنیا با صدا^۱
- کاری که صورت نماز را به هم بزند.
- خوردن و آشامیدن
- کم و زیاد کردن غمیدی یا اشتباهی رکن
- کم و زیاد کردن غمیدی سایر واجبات (غیر رُثَن)
- پیش آمدن یکی از شکهایی که نماز را باطل می کند.
- حرف زدن (سخن گفتن)
- گذاشتن دست ها برهم (تکش)^۲
- آمین گفتن بعد از خواندن حمد^۳

- سیستانی؛ بنابر احتیاط واجب باید برای کار دنیا با صدا و صداگیری نکند. سیحان؛ گریسن برای دنیا با صدا با فی صدا غماز را باطل می کند. صافی و مکارم؛ احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا با صدا هم گریه نکند.
- ذکر آمین گفتن از حد که به معنای «خدایا! اجابت فرم او است» در زمان حضرت رسول ﷺ نبوده است، بلکه بعضی از افراد آن بعد از حلول ایشان، وارد دین کرده اند و از آن جا که بدعت در دین شده می شود، باعث باطل شدن غماز است.
- به جلت و سیستانی؛ وبنابر احتیاط واجب. سیستانی؛ و باطل شدن غماز با گفتن «آمین» در غیر مأمور بنابر احتیاط است.

آرامش بدن در رکوع

[۴۲۸] م. در رکوع باید به مقداری که ذکر واجب را می‌گوید، بدن آرام باشد.

[۴۲۹] م. در ذکر مستحبتی هم اگر آن را به قصد «ذکری که برای رکوع دستور داده‌اند» بگوید، بنابر احتیاط واجب^۱ باید بدن آرام باشد.

گفتن ذکر قبل از خم شدن

[۴۳۰] م. اگر قبل از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام بگیرد، به عمد ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است. بهجت و سیستانی: در صورتی که دوباره ذکر را در حال استقرار در رکوع بگوید، نمازش باطل نمی‌شود. سبحانی، صافی و مکارم: بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.



اگر نمازگزار به عمد قبل از رسیدن به رکوع ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است^۲

ذکر رکوع

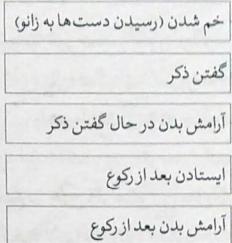
[۴۳۱] م. ذکر رکوع عبارت است از یک بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ». گفتن هر ذکری در رکوع کافی است، ولی باید تعداد حروف و کلمات به همین مقدار یا بیشتر باشد. بهجت: گفتن هر ذکری در رکوع (حتی کمتر از مقدار ذکر رکوع) جایز است، ولی احتیاط مستحب است که سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» را بگوید. سبحانی و مکارم: ذکر رکوع، بنابر احتیاط واجب آن است که سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» بگوید.

سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ یا سُبْحَانَ رَبِّ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

۱. آیت الله مکارم در این مسأله فتوا داده‌اند.

۲. بهجت و سیستانی: در صورتی که دوباره ذکر را در حال استقرار در رکوع بگوید، نمازش باطل نمی‌شود.

واجبات رکوع



خم شدن به قصد رکوع

[۴۲۵] م. در رکوع باید خم شدن به قصد رکوع باشد؛ بنابراین اگر بدون قصد آن - مثلاً برای کشتن جانوری یا برداشتن چیزی - خم شود، نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه باید بایستد و به قصد رکوع خم شود و به واسطه خم شدنی که به قصد رکوع نبوده، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.

الخم شدن به طور معمول

[۴۲۶] م. در رکوع باید خم شدن به طور معمول باشد؛ بنابراین اگر رکوع را به طور غیر معمول به جا آورد - برای مثال: به چپ یا راست خم شود - هر چند دست‌هایش به زانو برسد، صحیح نیست.

رسیدن دست‌ها به زانو

[۴۲۷] م. باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد. و گذاشتن دست‌ها بر روی زانو واجب نیست؛ بنابراین اگر به اندازه رکوع خم شود، ولی دست‌ها را به زانو نگذارد، اشکالی ندارد. امام: بنابر احتیاط واجب باید به قدری خم شود که کف دست‌ها به زانو برسد. اگر به قدری خم شود که کف دست‌ها به زانو نرسد، کافی نیست. خامنه‌ای: اگر سرانگشت هاهم به زانو برسد، کافی است و احتیاط واجب آن است که دست‌ها را بر زانو بگذارد. سبحانی و مکارم: احتیاط واجب آن است که دست‌ها را بر زانو بگذارد.



نمازهای واجب

نمازهای واجب

نمازهای روزانه (صبح، طهر، عصر، مغرب و عشاء)

نماز آیات

نماز میت

نماز قضای پدر^۱ بر پسر بزرگتر^۲

نماز طواف خانه کعبه

نمازی که به سبب اجاره، نذر، عهد و قسم واجب می شود.^۳

نماز جمعه

[۵۱۵] م. نماز جمعه در زمان ما (در دوران غیبت امام معصوم علیهم السلام) واجب تخيیری است؛ یعنی مُکَلَّفٌ بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر می تواند یکی را انتخاب کند.^۴



شرایط نماز جمعه

[۵۱۶] م. شرایط نماز جمعه عبارت است از:

به جماعت خوانده شود.

شرایط نماز جماعت رعایت شود. (مثل اتصال صفووف)

حدائق پنج نفر باشند (یک نفر امام و چهار نفر مأمور)

بین مکان برگزاری دونماز جمعه حدائق یک فرسخ فاصله باشد.

دو خطبه خوانده شود.

[خامنه‌ای]: آخطبه‌ها و نماز جمعه توسط یک امام خوانده شود.

شرایط نماز جمعه

۱. سیستانی: بنابر احتیاط واجب.

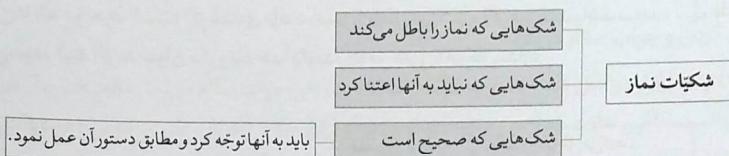
۲. بهجت، خامنه‌ای و مکارم: نماز قضایی پدر و مادر.

۳. در واقع، خانه‌ای که بد واسطه اجاره، نذر، قسم و عهد واجب نیستند، بلکه به خاطر وفا به عقد اجاره، نذر، قسم و وفای به عهد واجب می شوند.

۴. مکارم: در زمان تشکیل حکومت اسلامی احتیاط در بیه جا آوردن نماز جمعه است. صافی: در زمان غیبت، اگر کسی نماز جمعه بخواند، احتیاط واجب آن است که نماز ظهر را هم بخواند.

اقسام شک در نماز

[۴۹۵] م. شک‌های نماز سه نوع است:



شک‌های باطل‌کننده نماز

[۴۹۶] م. شک‌های باطل‌کننده نماز عبارتند از:

۱. شک در شماره رکعت‌های نماز دورکعتی مانند: نماز صبح و نماز مسافر
۲. شک در شماره رکعت‌های نماز مغرب
۳. شک در نماز چهار رکعتی در صورتی که شک کند یک رکعت خوانده یا بیشتر
۴. شک در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم در صورتی که شک کند دو رکعت خوانده یا بیشتر
۵. شک در تعداد رکعت‌های نماز، که نداند چند رکعت خوانده.
۶. شک بین دو و پنج رکعت یا دو و بیشتر از پنج
۷. شک بین سه و شش رکعت یا سه و بیشتر از شش
۸. شک بین چهار و شش رکعت یا چهار و بیشتر از شش، چه پیش از تمام شدن سجده دوم باشد یا پس از آن.

توجه

۱. اگر یکی از شک‌های باطل‌کننده برای نمازگزار پیش آید، نمی‌تواند نماز را بهم بزند؛ بلکه باید اول مقداری فکر کند و اگر شک از بین نرفت و ادامه یافت، نماز باطل خواهد شد.
۲. اگر کسی در بیه جا آوردن نماز شک کند: اگر قبل از گذشتן وقت باشد: باید نماز را بخواند. و اگر بعد از گذشتן وقت باشد: لازم نیست آن نماز را بخواند.
۳. شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است؛ اما برای جلوگیری از ضرر بدی یا مالی اشکالی ندارد. اگر حفظ جان نمازگزار یا کسی که حفظ جان او واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می‌باشد (مانند مالی که به مالیت نزد او گذاشته شده) بدون بهم زدن نماز ممکن نباشد، باید نماز را بهم بزند.

وقت نماز جمعه

[۵۱۷] م. احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را ز موقعی که در «عُرف»، اول ظهر می‌گویند عقب نینندارد و اگر از اوایل ظهر (حدود یک ساعت) تأخیر بیفتد باید به جای نماز جمعه نماز ظهر بخواند.
بهجت: مجموع نماز جمعه و خطبه‌ها باید خیلی پس از زوال و ظهر شرعی طول نکشد.
خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که از اوایل عرفی زوال (ظهر شرعی) در حدود یکی - دو ساعت بیشتر به تأخیر نیافتد و اگر بیش از دو ساعت تأخیر بیفتد، احتیاط واجب در به جا آوردن نماز ظهر است.
مکارم: وقت نماز جمعه از اول ظهر است به مقداری که اذان و خطبه‌ها و نماز مطابق معمول انجام شود و با گذشتن این مقدار، وقت نماز جمعه پایان می‌باید و باید نماز ظهر خوانده شود. این زمان ممکن است حدود یک ساعت تا یک ساعت و ربع از اول ظهر شرعی باشد. و بنابر احتیاط کسانی که در نماز جمعه شرکت نمی‌کنند، تا پایان وقت نماز جمعه، نماز ظهر و عصر را به صورت جماعت یا فرادا نخوانند.

کیفیت نماز جمعه

[۵۱۸] م. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ابراد می‌شود. مستحب است در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون خوانده شود. همچنین مستحب است خواندن دو قنوت: یکی در رکعت اول پیش از زکوع و دیگری در رکعت دوم پس از زکوع.

دانستنی

نخستین نماز جمعه

رسول گرامی اسلام پس از هجرت از مکه به مدینه، روز دوشنبه (دوازدهم ربیع الاول) به محله‌ای نزدیک مدینه به نام «قبا» وارد شدند. به منظور آنکه حضرت علی به ایشان ملحق شود، چهار روز در آن مکان ماندند و به شایستگی مورد استقبال مردم قرار گرفتند. در این مدت، به دستور پیامبر ﷺ طرح بنای «مسجد قبا» ربخته شد. آن گاه در روز جمعه به سوی مدینه حرکت کردند و هنگام نماز ظهر به محله «بنی سالم» رسیدند و همان جا مراسم نماز جمعه را بپیکردند. این اولین نماز جمعه‌ای بود که رسول خدا ﷺ اقامه نمودند و خطبه این نیز اولین خطبه رسول اکرم ﷺ در مدینه بود.^۱

^۱. تفسیر قونه، ج ۲۴، ص ۱۳۱.

[۵۱۹] م. یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است:

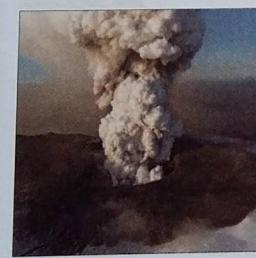
۱. خورشید گرفتگی [کسوف] اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.	۲. ماه گرفتگی [خسوف] اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.
۳. زلزله اگرچه کسی نترسد.	
۴. حوادث آسمانی مانند: رعد و برق، باد سیاه، سرخ و زرد و... در صورتی که بیشتر مردم بترسند، باید ^۱ اینها هم نماز آیات بخوانند.	۵. حوادث زمینی مانند: فرو رفتگی و رانش زمین، شکافته شدن آن و... در صورتی که بیشتر مردم بترسند، بترا بر احتیاط واجب برای اینها هم نماز آیات بخوانند.



زلزله

ماه گرفتگی

خورشید گرفتگی



آتششان هولناک

طوفان و گردباد ترسناک

رعد و برق شدید و خوفناک

۱. سیستانی: در صورتی که بیشتر مردم بترسند، بترا بر احتیاط مستحب غاز آیات ترک نشود.
۲. بهجت: در صورتی که بیشتر مردم بترسند، موجب غاز آیاتند. سیستانی: در صورتی که بیشتر مردم بترسند، بترا بر احتیاط مستحب غاز آیات ترک نشود

[۵۵۱] م. مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می‌کنند، عادل، وقت شناس و صدایش بلند باشد. و برای اذان گفتن:



نماز جماعت

نماز جماعت

رجوع کنید به فصل «مسجد»، بخش «نماز جماعت»

نمازمسافر

[۵۲۹] م. مسافر باید نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشا) را با شرایطی که خواهد آمد، شکسته به جا آورد؛ یعنی دو رکعت بخواند.

[۵۳۰] م. مسافر با شرایطی نمازش شکسته می‌شود:

۱. سفر او کمتر از هشت فرسخ^۱ شرعی نباشد.

۲. از اول مسافت قصد پیمودن هشت فرسخ^۲ را داشته باشد.

۳. در بین راه از قصد خود بر نگردد. بنابراین، اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردّ شود باید نماز را تمام (چهار رکعت) بخواند.

۴. نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن^۳ یا جایی که می‌خواهد ده روز یا بیش تر در آن بماند، عبور کند.

۵. برای کار حرام (مانند دزدی) سفر نکند. همچنین خود سفر، حرام نباشد؛ مثل سفری که ضرر دارد یا سفر غیر واجب زن بدون اجازه شوهر.

۶. از کسانی که خانه به دو شند نباشد؛ مانند: بعضی از صحرانشینان که محل زندگی ثابتی ندارند، بلکه در بیانها گردش می‌کنند و هر جا آب و علف و چراگاه بیابند می‌مانند.

۷. شغل او مسافت نباشد؛ مانند: راننده بین شهری، ملوان، خلبان، تاجر و...

۸. به حد ترخص^۴ برسد.

۱. هشت فرسخ شرعی طبق نظر مراجع: امام، بهجت، خانه‌ای و صافی: ۲۵ کیلومتر؛ سیستان: ۲۲ کیلومتر.

۲. فرسخ یا فرسنگ: واحد مسافت است. کمی که قصد دار بیشتر از هشت فرسنگ (ین ۲۳ تا ۲۵ کیلومتر) مسافت نماید، باید نماز را پس از گذشت از حد ترخص، شکسته بخواند و کمی که از مسافت بار می‌گردد، وقیعه حد ترخص وطن خود رسید، باید نماز را تمام بخواند.

۳. وطن: جایی که انسان برای زندگی اختیار کرده و قصد داره همیشه آن جا ماند. وطن شمرده می‌شود، مثلاً یک شهری را روزانه در آن جا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد یا خود آنچه را برای زندگی اختیار کرده باشد.

۴. «حد ترخص» مکانی است که در آنجا اذان شهر شنیده نمی‌شود. اذر قدم اطراف شهرها دیوار می‌کشیدند؛ ولی در حال حاضر که شهرها دیوار ندارند، ملاک و میزان، دیوار خانه‌های آخر شهرهاست

نماز جماعت نمازی است که دو نفر یا بیش تر با شرایط و کیفیتی خاص به جا می‌آورند. جماعت یعنی «گروه» و از آن جا که این نماز به طور جمعی و گروهی برپا می‌شود، به آن نماز جماعت می‌گویند.

[۵۵۲] م. در مورد نماز جماعت، احکام و اجر و پاداش بسیاری وارد شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کیم:

۱. مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای شباهه روز را به جماعت بخواند.

۲. شرکت در نماز جماعت برای همه مستحب است؛ به ویژه برای همسایه مسجد.

۳. مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

۴. نماز جماعت هر چند اول وقت خوانده نشود، از نماز فرادای اول وقت بهتر است (ثواب بیشتری دارد).

۵. نماز جماعی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فرادای طولانی بهتر است.

۶. سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

۷. حاضر نشدن در نماز جماعت از روزی بی اعتنایی به آن جایز نیست.

۸. وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فرادا خوانده، دوباره به جماعت بخواند.^۱

۱. امام یا مأمور می‌تواند [سبحانی: نمی‌تواند] غازی را که به جماعت بخواند، دوباره به جماعت بخواند، در صورت که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشد.

بهجت: در صورت که جماعت دوم دارای میانی باشد که در شرب برتری و ترجیح داشته باشد و غواصه به امید مظلوب بودن، دوباره غاز را به جماعت بخواند، جایز است.

سیستانی: اگر امام یا مأمور غواصه غازی که به جماعت بخواند دوباره با جماعت بخواند، هر چند استعجایش ثابت نیست، ولی رجاء مائنتی ندارد.

حاسق: اگر امام یا مأمور غواصه پس از غازی که به جماعت خوانده اند، دوباره برای مأمور دیگری که غاز را به جماعت بخواند امام شوند، جایز است؛ ولی اگر بخوانند برای دفعه سوم غاز دیگری با جماعت بخوانند اشکال دارد.

[۵۵۴] م. مستحب است امام جماعت وسط صف باشد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول باشند.

نظم صفحات

[۵۵۵] م. مستحب است صفحات جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، فاصله نبوده و شانه آنان هم ردیف یکدیگر باشد.



نکته



اگر در صفحات جماعت جای باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.
البته منظور از کراحت در اینجا کمتر شدن ثواب است و گرنه نماز جماعت در هر صورت ثواب زیادی دارد.

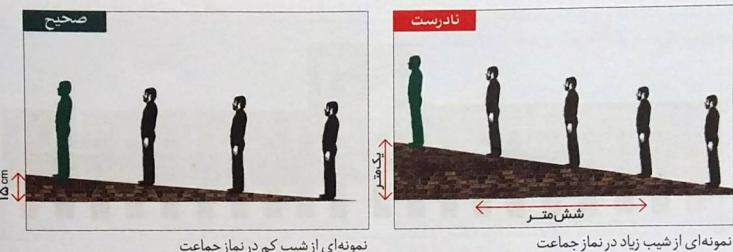
توجه

۱. مستحب است بعد از گفتن «فَقَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» مأمورین برخیزند.
۲. مستحب است امام جماعت حال مأموری را که از دیگران ضعیفتر است رعایت کند و عجله نکند تا افراد ضعیف برسند و نیز قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر آن که بداند همه کسانی که به او اقتدا کرده‌اند، به طولانی شدن نماز مایلند.^۱
۳. مکروه است مأمور ذکری‌ای نماز را طوری بگوید که امام جماعت بشنود

۱. منظور از رعایت حال ضعیفترین مأمور این است که او را به سختی نیندازد. اگر رعایت حال ضعیفترین افراد، غاز خواندن آهسته و با تأثی است، خوب است آهسته بخواند.

نماز جماعت در مکان شبدار

[۵۶۵] م. اگر زمین مسجد شب‌دار باشد، به گونه‌ای که مکان ایستادن امام جماعت به صورت تدریجی از مأمورین بالاتر باشد، در صورتی که سرآشیبی آن منافاتی با هموار بودن زمین نداشته باشد (آنقدر زیاد نباشد که دیگر به آن زمین مُسطّح گفته نشود) اشکال ندارد.
سیحانی: نباید شبک مکان ایستادن امام جماعت و مأمورین بیشتر از یک وجب باشد.



فاصله در نماز جماعت

[۵۶۶] م. در نماز جماعت، مأمورین باید با امام جماعت مرتبط باشند. از این رو فاصله جای سجدة مأمور و جای ایستادن امام جماعت نباید بیشتر از یک گام معمولی^۱ باشد.
و نیز اگرین انسان با مأموری که جلو یا اطراف راست و یا اطراف چپ او ایستاده (و به وسیله او به امام جماعت متصل است) بیشتر از یک گام معمولی فاصله نباشد، نمازش صحیح است.



۱. امام: نباید بیش از دو گام باشد. مکارم: یک یا چند گام فاصله، به طوری که به آن جماعت گویند، معنی ندارد. سایر مراجع: کمتر از یک متر.



اگر فاصله بین مأمورین یا امام جماعت و مأمور... به بیش از یک گام معمولی بررسد، جماعت برقرار نمی شود.

توجه

در نماز جماعت اگر از یک طرف اتصال برقرار باشد، کافی است.

به هم خوردن اتصال صفوف

[۵۶۷] س. اگر در بین نماز، اتصال جماعت قطع شود (برای مثال: کسانی که در سمت راست و چپ و جلو هستند نمازشان شکسته باشد و در رکعت دوم سلام دهند)، آیا نماز بقیه به جماعت صحیح است؟ اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند، تمام شود یا همه نیت فرادا کنند، در صورتی که فاصله بیش از حد مجاز نباشد، نماز صف بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیش تر باشد (که معمولاً چنین است) باید به صورت فرادا ادامه دهند.

بهجت: اگر بلافاصله برای نماز دیگر اقتدا کنند، جماعت صحیح است.

۱. امام: نباید بیش از دو گام باشد. خامنه‌ای: نباید بیش از یک گام (حدود ۸۰ سانتیمتر) باشد. مکار: یک یا چند گام فاصله، به طوری که به آن جماعت گویند، مانع ندارد. سایر مراجع: کمتر از یک متر